

۱- خدمات تامینی موردنیاز صادرکنندگان

صادرات نیز هم چون سایر فعالیت‌های تجاری در معرض خطرات گوناگونی قرار دارد. صادرکنندگان کالا علاوه بر زیان ناشی از خطرانی که در اثر بروز حوادث ممکن است متوجه آنها شود با امکان عدم پرداخت مطالباتشان از طرف خریداران خارجی مواجه هستند. فعالیت صادرات بدون داشتن چنین پوششی امری به شدت مخاطره‌آمیز و متهورانه خواهد بود.

در بخش صدور خدمات که سرمایه بسیار عظیمی همراه با صرف هزینه‌های هنگفتی در معرض خطرات سیاسی و اقتصادی کشور میزبان قرار دارد همواره عدم بازپرداخت مطالبات صادرکننده مانع بزرگی برای توسعه این قبیل فعالیت‌ها می‌باشد. لذا، به طور کلی پوشش‌های موردنیاز صادرکنندگان را به دو دسته عمده می‌توان تقسیم کرد.

۱-۱- پوشش در مقابل خطرات بیمه‌پذیر: نظیر خطرات

آتش‌سوزی، حوادث دریایی، شکست ماشین‌آلات و حتی برخی از بیمه‌های اعتباری کوچک که معمولاً توسط شرکت‌های بیمه بازرگانی تحت پوشش قرار می‌گیرند و صادرکنندگان به سهولت قادرند نیاز خود را در خصوص این تامین‌ها برآورده سازند.

۱-۲- خطرات بیمه‌ناپذیر: این نوع خطرات به دلیل ماهیت

خود یا اصولاً از طرف شرکت‌های بیمه بازرگانی مورد قبول واقع نمی‌شوند و یا به دلیل عدم پراکندگی و تجمع خطر حق بیمه بسیار بالایی بابت آن مطالبه می‌کنند که نهایتاً مانعی در راه توسعه و گسترش صادرات خواهد بود از قبیل: پوشش موردنیاز برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در یک کشور و غیره.

از این رو در برخی کشورها در مواردی که بیمه‌های بازرگانی از ارائه پوشش موردنیاز استتکاف می‌ورزند این وظیفه از طریق صدور ضمانت‌نامه یا بیمه‌نامه به عهده سازمان ویژه‌ای قرار می‌گیرد که از طرف دولت پشتیبانی می‌شود.

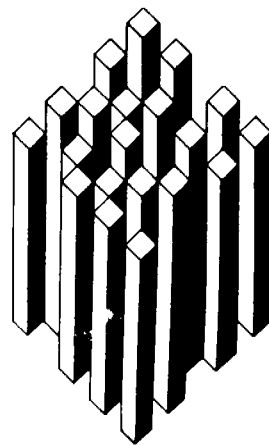
۲- بیمه و ضمانت چیست و وجوه افتراق آنها کدام است؟

به نظر می‌رسد از آنجا که در برخی از کشورها، تامین موردنیاز صادرات علاوه بر بیمه‌نامه از طریق صدور ضمانت‌نامه نیز فراهم می‌شود اشاره به وجوه افتراق بیمه و ضمانت بی‌فایده نباشد و ما را تا حدی به قابلیت و توان هر یک و نقشی را که می‌توانند داشته باشند آشنا سازد.

۱-۲- از نظر حقوقی: ماده ۶۸۴ قانون مدنی عقد ضمان را

چنین تعریف کرده است: «عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد، متعهد را ضامن طرف دیگر را مضمون‌له و شخص ثالث را مضمون‌عنه یا مدیون اصلی می‌گویند».

هم چنین ماده ۱ قانون بیمه اشعار می‌دارد «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازاء پرداخت وجه یا جوهی از



جایگاه بیمه و ضمانت

در صادرات

صادرات، به دلیل نقش و سهم بازرسی که در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور دارد، همواره در کانون توجه مسئولین و کارگزاران قرار دارد. بنابراین طبیعی است عوامل و مولفه‌های موثر در صادرات نیز از اهمیت خاصی برخوردار باشد. از جمله عوامل مهم در این خصوص، بیمه و یا ضمانت صادرات و یا به عبارتی پوشش تامینی است که صادرات و صادرکنندگان به آن نیاز دارند.

ما در این نوشتار در پی آن هستیم تا این دو عامل مهم و تاثیرگذار در امر صادرات را شناخته و محدوده و قلمرو هر یک و قالب متناسب با آنها را باز شناسیم. به علاوه اشاره‌ای خواهیم داشت به چگونگی دخالت دولت در امر صادرات از طریق بیمه و یا ضمانت.

در خاتمه ساختار تشکیلاتی مناسب برای دخالت دولت در صادرات با استفاده از این دو عامل، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد پاسخ به پرسش‌های زیر تا حد زیادی بتواند ما را در نیل به این مقصود یاری رساند.

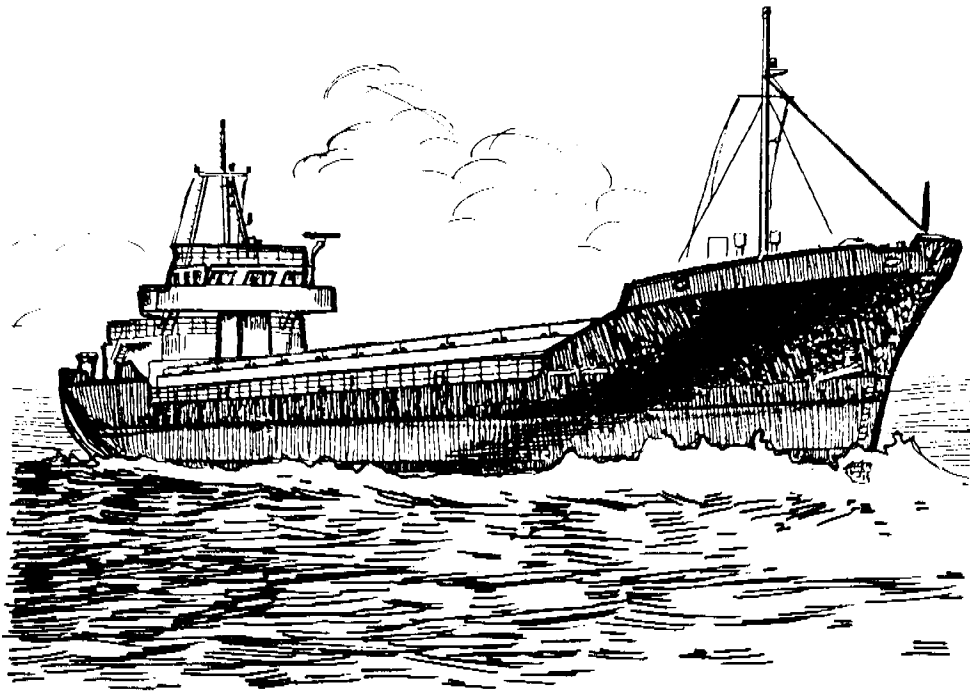
۱- خدمات تامینی مورد نیاز صادرکنندگان چیست؟

۲- بیمه و ضمانت چیست و وجوه افتراق آنها کدامند؟

۳- آیا شرکت‌های بیمه بازرگانی با توجه به اهداف خود قادرند کلیه پوشش‌های موردنیاز صادرکنندگان را در اختیار آنها قرار دهند؟

۴- چگونه و با چه ساختار تشکیلاتی مطلوب دولت‌ها می‌توانند ضمن ارائه خدمات تامینی موردنیاز صادرکنندگان، سیاست‌های موردنظر خود را در هدایت صادرات اجرا نمایند؟

۵- شیوه عمل در سایر کشورها چگونه است؟



ماده ۱۸ قانون بیمه چنین می‌گوید: «هرگاه معلوم شود خطری که برای آن بیمه به عمل آمده است قبل از عقد قرارداد واقع شده بوده است قرار داد بیمه باطل و بی‌اثر خواهد بود. در این صورت اگر بیمه‌گر وجهی از بیمه‌گذار گرفته باشد عشر از مبلغ مذکور به عنوان مخارج کسر و بقیه را به بیمه‌گذار مسترد دارد.»

در حالیکه در عقد ضمان همانگونه که از ماده ۶۸۴ قانون مدنی برمی‌آید، مالی بر ذمه شخصی است و ضامن ذمه وی را به عهده می‌گیرد و این بدان معنا است که تعهدات ضامن از ابتدا به روشنی مشخص است و ضامن متعهد است در صورتی که دین حال است ادا نماید و در صورتی که مؤجل است در وقت مقرر ادا نماید. به خصوص آن که در فقه شیعه و در قانون مدنی دائن نمی‌تواند به مدیون مراجعه کند یعنی در فقه شیعه ضم ذمه به ذمه وجود ندارد و چنین عقدی باطل است.

با عنایت به مطلب فوق مناسب است در حد بضاعت مقایسه‌ای بین ضمان دین و بیمه اعتبارات که مشابهت فراوانی دارند انجام گیرد شاید تا حدی موضوع روشن گردد.

بیمه اعتبارات به صورتی که توسط شرکت‌های بیمه بازرگانی انجام می‌گیرد: عبارت است از این که شرکت‌های بیمه بازرگانی بدهی بیمه‌گذار را در صورت عدم پرداخت آن در سررسید بیمه می‌کنند و ذینفع از بیمه‌نامه می‌تواند در صورت عدم پرداخت بدهی از سوی بیمه‌گذار به شرکت بیمه مراجعه و طلب خود را وصول کند. در صورتی که در عقد ضمانت: اولاً لازم نیست بدهی مؤجل باشد بلکه بدهی حال نیز قابل ضمانت است در حالیکه چنین عملی در عقد بیمه امکان‌پذیر نیست. ثانیاً در عقد بیمه، بیمه‌گذار باید به مدیون مراجعه کند و در صورت عدم پرداخت بدهی از طرف مدیون جهت وصول طلب خود به شرکت بیمه مراجعه نماید در صورتی که همانگونه که توضیح داده

طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارد بر او را جبران نموده و یا وجه معینی پردازد. متعهد را بیمه‌گر طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که بیمه‌گذار می‌پردازد حق بیمه و آنچه را بیمه می‌شود موضوع بیمه می‌نامند.»

در اینجا نظر شهید مطهری را نیز جهت مزید اطلاع یادآور می‌شویم. شهید مطهری در کتاب بررسی فقهی مسأله بیمه در مقام مقایسه بین بیمه و ضمان می‌فرماید: «اما در میان معاملات و در میان عقود که ما در فقه داریم، عقدی وجود دارد که احتمال این که اساساً بیمه جزء آن باشد زیاد است و آن ضمان است ضمانت به معنای ضمانت در عرف امروز، از مسلمات فقه اسلام است، شخص سومی پیدا می‌شود دین مدیون را به عهده می‌گیرد که به وی ضامن می‌گویند. ص ۲۲»

شهید مطهری در ادامه سخن خود اینطور نتیجه می‌گیرند که «در باب ضمان این مسایل از قدیم مطرح بوده است اما این که بیمه صددرصد به عنوان ضمان مطرح باشد و ادله ضمان، بیمه را شامل شود، مورد تردید است ما آنچه را که ضمان شرعی می‌دانیم همان ضمان دین است و بس... ص ۲۵»

چنانچه ملاحظه می‌فرمایند شهید مطهری ضمن این که احتمال می‌دهند بیمه جزء عقد ضمان باشد مع هذا در باب این که بیمه به صورت کامل و صددرصد با عقد ضمان تطبیق نماید نیز اظهار تردید می‌نمایند به هر صورت مواردی را که به نظر ما از وجوه اختلاف بین بیمه و ضمانت از نظر حقوقی است عبارتند از:

در عقد بیمه انجام تعهد بیمه‌گر ناظر به آینده است زیرا وقوع و یا بروز حادثه احتمالی است و بعد از انعقاد قرارداد ممکن است تحقق یابد به عبارت دیگر انجام تعهد بیمه‌گر منوط و مشروط به این است که اولاً حادثه مشمول بیمه در آینده تحقق یابد و در ثانی موجب خسارت بر بیمه‌گذار شود.

شد در عقد ضمانت دائن حق مراجعه به مدیون را ندارد، و این اختلاف اساسی است که به نظر، مابین ضمانت و بیمه وجود دارد، معهدا بدیهی است اختلافات دیگری نیز از بعد حقوقی بین عقد بیمه و عقد ضمانت وجود دارد که باید مفصلاً مورد بررسی قرار گیرد از قبیل حق رجوع به مضمون عه در عقد ضمانت و یا دریافت حق التضمین در ضمانت و اختلاف آن با حق بیمه و همچنین مسایل دیگری که ممکن است مطرح باشد.

۲-۲- از نظر فنی: با توجه به این که حوادث و وقایعی که در بیمه تحت پوشش قرار می‌گیرند محتمل‌الوقوع هستند و تعهدات بیمه‌گر نیز در آینده احتمال تحقق دارد و یا به تعبیر دیگر حوادث مشمول بیمه، طیف گسترده‌ای را بین حوادث غیرممکن‌الوقوع و قطعی‌الوقوع دربر می‌گیرند. حق بیمه محاسبه شده به ترتیبی معین خواهد شد که بتواند پاسخگوی تعهدات پذیرفته شده بیمه‌گر به علاوه هزینه‌های وی باشد. در صورتی که در ضمانت به فرض پذیرش پرداخت مبلغی از طرف مدیون به عنوان حق‌التضمین و یا کارمزد به ضامن حداقل در مورد آن قسمت از تضمین‌هایی که دین آنها حال می‌باشد امکان برقراری تعادل بین تعهدات ضامن یا کارمزد وصولی معنی نخواهد داشت.

۳- آیا شرکت‌های بیمه بازرگانی با توجه به اهداف خود قادرند کلیه پوشش‌های موردنیاز صادرکنندگان را در اختیار آنان قرار دهند؟

به نظر می‌رسد با توجه به توضیحات تفصیلی که داده شده روشن شده باشد که شرکت‌های بیمه که با هدف کسب سود و منفعت براساس اصول بازرگانی اداره می‌شوند حداقل در مورد قبول و پذیرش بخش عظیمی از خطراتی که فعالیت صادرات به ویژه صادرات خدمات و سرمایه‌گذاری دربر دارد دچار تردید و دودلی شوند زیرا ماهیت این خطرات به نحوی است که با خطرات موردپذیرش شرکت‌های بیمه بازرگانی هم خوانی و هماهنگی ندارد.

و از طرف دیگر شرکت‌های بیمه بازرگانی تابع قوانین و مقررات خاصی در خصوص میزان پذیرش خطرات و تعهدات و رعایت نسبت خاصی بین سرمایه و ذخایر و تعهدات خود هستند که به هیچ وجه سرمایه و ذخایر این شرکت‌ها تناسبی با حجم صادرات به ویژه در رابطه با سرمایه‌گذاری یک کشور در سایر کشورها ندارد. لذا انتظار برآورده شدن نیاز صادرکنندگان کالا و خدمات به صورت کامل از شرکت‌های بیمه بازرگانی انتظاری واهی و دور از واقعیت می‌باشد هر چند ممکن است بخش اندکی از خطرات کوچک در این قبیل موسسات تحت پوشش قرار گیرد.

۴- چگونه و با چه ساختار تشکیلاتی مطلوب دولت‌ها می‌توانند ضمن ارائه خدمات تامین موردنیاز صادرکنندگان سیاست‌های موردنظر خود را در هدایت صادرات تحقق بخشند؟

همان گونه که در مقدمه این نوشتار متذکر شدیم صادرات به جهت

نقشی که در اقتصاد کشورها به عهده دارد به شدت مورد توجه و عنایت دولت‌ها می‌باشد به ترتیبی که هم اکنون تضمین و یا بیمه صادرات و چگونگی آن به عنوان یکی از اهرم‌های قبض، و بسط تجارت با سایر کشورها به کار گرفته می‌شود. بنابراین، طبیعی است انجام چنین مسئولیت خطیری تشکیلات و ساختار خاصی را طلب نماید تا هم بتواند تامین‌های مورد لزوم صادرات را فراهم کند و هم کارآیی لازم را جهت تحقق اهداف دولت داشته باشد. اهم ویژگی‌های چنین تشکیلاتی عبارتند از:

۱-۴- از نظر مالی: از نقطه نظر تامین مالی ضرورت دارد چنین سازمانی از طریق خزانه حمایت و کمک شود تا در صورتی که منابع آن تکافوی تعهداتش را ننماید از طریق خزانه کسری آن جبران گردد این موضوع در کلیه کشورها که برای صادرات اهمیت قایلند رعایت می‌شود.

بر همین اساس در قانون سال ۱۳۵۲ نیز در ماده ۳ قانون تاسیس صندوق ضمانت صادرات ایران، این مساله پیش‌بینی شده است زیرا معمولاً سرمایه‌گذاری‌های یک کشور و یا اتباع آن در سایر کشورها به قدری گسترده و با مبالغ زیاد می‌باشد که از توان مالی شرکت‌های بیمه بازرگانی خارج می‌باشد و شرکت‌های بیمه بازرگانی با توجه به ضوابط و مقررات بازرگانی حاکم بر خود توان ارائه چنین پوشش‌هایی را ندارند و لذا دولت‌ها به جهت عدم تعلیق فعالیت‌های صادراتی ناگزیر خود پذیرفته‌اند که در صورت عدم تکافوی منابع مالی این موسسات به یاری آنان بشتابند و کسری آن را از خزانه تامین کنند.

۲-۴- از نظر ماهوی: به نظر می‌رسد تفاوت اساسی بین ضمانت و بیمه که در بند ۲ توضیح داده شده تا حدود زیادی هماهنگی عقد ضمانت را با فعالیت صادرات تبیین کرده باشد زیرا خطر عمده‌ای که موجب نگرانی صادرکنندگان می‌باشد موضوع عدم وصول مطالبات آنهاست که معمولاً این خطر از طرف شرکت‌های بیمه بازرگانی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. در صورتی که موضوع اصلی در عقد ضمانت به عهده گرفتن دین مدیون توسط ضامن است حتی اگر این دین حال باشد. البته همان گونه که قبلاً اشاره شد این بدان معنی نیست که فعالیت‌های صادراتی از خدمات بیمه‌ای بی‌نیاز هستند بلکه مقصود این است که آن تأمینتی که بیشتر مورد درخواست صادرکنندگان است و باید از طرف دولت مورد حمایت قرار گیرد خطر عدم وصول مطالبات است به ویژه آن که نکته بسیار مهمی در این خصوص وجود دارد که اختصاص به عقد ضمانت دارد و عقد بیمه فاقد این خصوصیت می‌باشد و آن قابلیت تضمین دین حال می‌باشد. با استفاده از این ویژگی می‌توان مطالبات صادرکنندگان را که از صندوق ضمانت‌نامه دریافت نکرده‌اند لکن خریداران خارجی مطالبات آنها را پرداخت نکرده‌اند تحت شرایطی تضمین کرد و با این عمل حقوق این قبیل صادرکنندگان را به صندوق انتقال داد.

نتیجتاً از آن پس صندوق خواهد بود که بدهکاران خارجی را تحت تعقیب قرار می‌دهد.

مسلم است صندوق به دلیل برخورداری از اهرم‌های اقتصادی و سیاسی قادر خواهد بود بسیار موثرتر از آحاد صادرکنندگان نسبت به احقاق حقوق آنها و هم‌چنین از اتلاف اموال ملی جلوگیری کند، بنابراین ضروری است ساختار تشکیلاتی صندوق به نحوی سامان یابد که مدیران و مسئولان صندوق به راحتی بتوانند با هماهنگی مسئولان کشور عنداللزوم دست به چنین اقدامی بزنند.

از خصوصیات دیگری که به نظر می‌رسد باید در ساختار تشکیلاتی چنین سازمانی ملحوظ نظر قرار گیرد. قابلیت اعمال سیاست‌های دولت در امر صادرات به فوریت و به سهولت می‌باشد دولت‌ها با توجه به رعایت مصالح مختلف ممکن است سیاست‌های گوناگونی را در رابطه با کشورهای مختلف اتخاذ نمایند و اعمال و رعایت این سیاست‌ها از طریق نرخ تعرفه‌ها و یا سقف اعتبارات صادراتی برای کشورها می‌تواند صورت گیرد. بدیهی است تحقق چنین امری با موازین بیمه‌های بازرگانی که تصمیم‌گیری در خصوص تعرفه فقط براساس اصول تجاری، فنی توسط کارشناسان مربوط معین می‌شود هماهنگی ندارد و لذا در این موسسات تعرفه‌ها با تصویب هیات وزیران قابل اجرا می‌باشد. ماده ۹ قانون صندوق ضمانت صادرات ایران مصوب مرداد ۱۳۵۲ اشعار می‌دارد: «صندوق در مقابل انجام خدمات مذکور در ماده ۷ کارمزد دریافت می‌دارد کارمزد موضوع این قانون و هزینه‌های دیگری که برای اجرای آن لازم است طبق تعرفه‌ای است که پس از تایید شورای عالی صندوق به تایید هیات وزیران خواهد رسید.» در واقع تایید و تصویب تعرفه کارمزد کالا و خدمات صادراتی که بخشی از قیمت کالا و خدمات را تشکیل می‌دهد به وسیله هیات وزیران، زمینه‌ساز اجرای سیاست دولت نسبت به هر کشور می‌باشد که این امر الزاماً با منافع یک شرکت بیمه بازرگانی تطبیق نمی‌کند. به طور خلاصه اهم ویژگی‌های مورد لزوم برای تشکیلاتی که بتواند تامین صادرات و صادرکنندگان را به همراه قابلیت اعمال سیاست‌های دولت در برداشته باشد عبارتند از:

■ با خزانه مرتبط باشد به نحوی که بتواند عندالاقضاء کسری منابع را از خزانه جبران نماید.

■ مدیریت و اداره آن به نحوی طراحی شود که اعمال سیاست‌های دولت در امر صادرات به سهولت در آن امکان‌پذیر باشد.

■ غیرانتفاعی باشد و با هدف توسعه و گسترش صادرات بوجود آید و بقاء آن برخلاف سازمان‌هایی که بوسیله دولت یا بخش خصوصی با هدف سود و منفعت بوجود آمده‌اند مشروط و منوط به سودآوری نباشد هر چند ممکن است در روند فعالیت خود سود چشم‌گیری هم داشته باشد.

■ با وجود بهره‌گیری احتمالی که از کمک‌های دولت باید براساس اصول بازرگانی و فارغ از مقررات عمومی دولت اداره شود زیرا ماهیت چنین سازمانی ایجاب می‌نماید (همانند شرکت‌های بیمه) با صدور ضمانت‌نامه تعهدات بسیار بالایی را برای سال‌های طولانی برای خود ایجاد کند و بدیهی است درآمدهای هر سال اختصاص به آن سال ندارد

و باید همانند یک شرکت بیمه اندوخته و ذخایر مناسب را از محل کارمزدهای دریافتی برای سال‌های بعد نگهداری نماید بنابراین در صورتی که چنین سازمانی همانند وزارتخانه‌ها مکلف به واریز وجوه دریافتی خود در پایان سال به خزانه باشد و هزینه‌های خود را نیز از خزانه دریافت نماید به هیچ وجه قادر نیست تکلیفی را که برای چنین سازمانی متصور است به نحو مطلوب انجام دهد زیرا صادرکنندگان انتظار دارند با در دست داشتن ضمانت‌نامه و در صورت عدم پرداخت مطالباتشان از طرف خریداران خارجی قادر باشند به سهولت خسارت خود را دریافت کنند، هر نوع تاخیر و تعلل غیرموجه که ممکن است ناشی از رعایت

موسسات و یا شرکت‌های دولتی تعلق داشته باشد امکان بهره‌گیری از این قابلیت‌ها از دست خواهد رفت و یا به شدت تضعیف خواهد شد.

۵- چگونگی بیمه و یا تضمین صادرات در سایر کشورها:

۱-۵- فرانسه: بیمه صادراتی فرانسه: (Coface) در سال ۱۹۴۶ با هدف توسعه صادرات بوجود آمد و ضمانت فعالیت‌های صادراتی را بعهده گرفت سرمایه و ذخایر این شرکت در حال حاضر حدود ۲۰ میلیارد فرانک فرانسه برآورد می‌شود، در بین اعضای هیات مدیره کوفاس دو نفر نماینده دولت حضور دارند این شرکت ریسک‌های بازرگانی کوتاه مدت را با رعایت اصول بیمه‌گری خود راساً بعهده می‌گیرد ولی در مورد ریسک‌های غیربازرگانی و میان مدت و بلندمدت به نمایندگی از طرف دولت اقدام به صدور بیمه‌نامه می‌نماید. در مواردی که کوفاس ریسکی را خود می‌پذیرد طبیعی است که تعهدات ناشی از آن نیز بعهده کوفاس می‌باشد و در مواردی که خطری را از طرف دولت قبول می‌کند دولت متکفل تعهدات آن خواهد بود.

۲-۵- آلمان: در کشور آلمان شرکت بیمه هر مس که یک شرکت بیمه خصوصی است با همکاری چند شرکت دیگر عهده‌دار صدور بیمه‌نامه و یا ضمانت‌نامه‌های مربوط به امر صادرات می‌باشد.

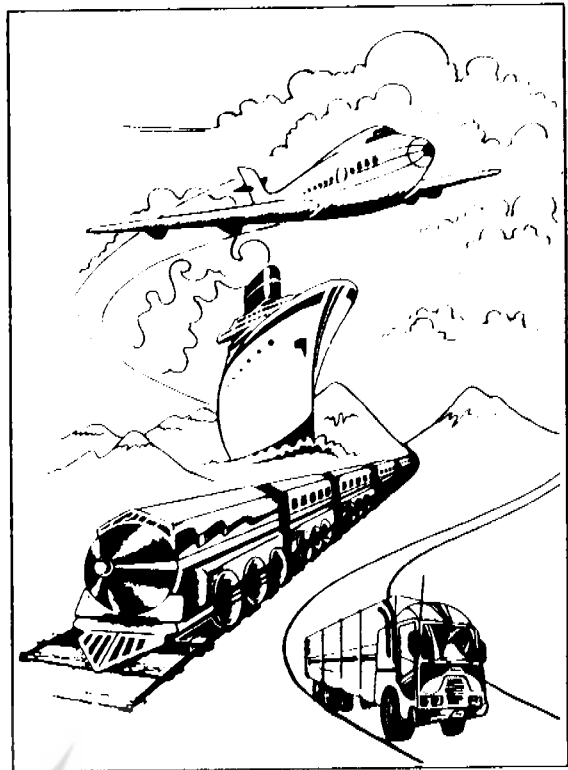
این شرکت با نظارت و هدایت دولت آن بخش از ضمانت‌نامه‌ها و یا بیمه‌نامه‌هایی که به دلایل فنی و یا اقتصادی خارج از قلمرو فعالیت آن می‌باشد به حساب دولت انجام می‌دهد و در صورت عدم تکافوی دریافتی‌ها بابت این قبیل خطرات، دولت مکلف است بودجه‌ای را که از طرف پارلمان در اختیار وی گذاشته شده است به مصرف این امر برساند و با این اقدام طبیعی است روند صادرات به دلیل عدم یک پوشش حمایتی با وقفه روبرو نخواهد گشت.

۳-۵- انگلستان: بخش ضمانت صادرات در کشور انگلستان یک بخش صددرصد دولتی و وابسته به وزارت بازرگانی و صنایع انگلستان می‌باشد و در مورد ریسک‌هایی بزرگ و بلندمدت از حمایت دولت برخوردار است.

۴-۵- اندونزی: شرکت بیمه اعتبار صادراتی کشور اندونزی یک شرکت صددرصد دولتی بوده و در نوامبر ۱۹۸۵ براساس قوانین سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ با سرمایه ۲۵۰ میلیارد روپیه بوجود آمده است.

۵-۵- ژاپن: بیمه اعتبارات صادراتی ژاپن وابسته به وزارت تجارت بین‌المللی و صنایع ژاپن می‌باشد و با نظارت و هدایت دولت امر صدور بیمه‌نامه‌ها و ضمانت‌نامه‌های مورد لزوم صادرات را به عهده دارد.

به همین ترتیب در سایر کشورهای جهان نیز از قبیل هند - پاکستان - استرالیا - کانادا و غیره، همانند کشورهای فوق موسسه‌ای که امر بیمه و یا ضمانت صادرات را به عهده دارد حداقل در مورد پوشش بخشی از خطرات از طرف دولت اقدام می‌کند و ناگزیر به استفاده از حمایت و کمک دولت می‌باشد، به عبارت دیگر این موسسات به نحوی به خزانه متصل هستند تا عندالاقضاء بتوانند کسری خود را جبران نمایند.



مقررات عمومی باشد می‌تواند منجر به عدم استقبال صادرکنندگان شده و هدف و مقصود اصلی که همانا ارائه تأمین به صادرکنندگان و در نتیجه توسعه و گسترش صادرات باشد مخدوش شود.

بعلاوه موضوع بسیار مهم دیگری که ایجاب می‌کند این قبیل سازمان‌ها تابع قانون خاص خود باشند و از شمول مقررات عمومی مربوط به دولت مستثنی شوند به کارگیری منابع عظیمی است که این موسسات به عنوان یک موسسه مالی و اعتباری بسیار قوی باید همواره به عنوان ذخیره فنی و اندوخته احتیاطی در اختیار داشته باشند.

بهره‌گیری بهینه از این منابع که معمولاً می‌بایست برای مدت‌های طولانی جهت انجام تعهدات احتمالی آتی در اختیار این موسسات قرار داشته باشد خواهد توانست ضمن تأثیر مثبت در روند اقتصادی کشور نیاز این سازمان‌ها را به خزانه به حداقل ممکن تقلیل دهد. بنابراین لازم است این موسسات نیز همانند شرکت‌های بیمه و بانک‌ها از قوانین خاص خود تبعیت کنند تا امکان تحقق اهداف قانون‌گذار فراهم گردد.

■ کلیه سهام آن متعلق به دولت باشد.

از آنجا که این قبیل موسسات با پرداخت خسارت و یا دین مدیون (خریدار خارجی است) جانشین صادرکنندگان برای تعقیب بدهکاران خواهند بود شایسته است کلیه سهام آنها متعلق به دولت باشد تا به این ترتیب به عنوان یک دولت حقوق خود را از بدهکاران خارجی مطالبه نمایند بدیهی است در چنین صورتی امکان استفاده هر چه بیشتر از پتانسیل‌های اقتصادی و سیاسی برای وصول مطالبات وجود خواهد داشت در حالیکه اگر مالکیت چنین موسسات متعلق به دولت نباشد و به